

**Critical Discourse Analysis of
Marzbannameh Based on Norman
Farklaf's Theory (Case study: The
Sory of Zirak and Zarvi)**

Isaa Najafi*/ Farahnaz Heydari Nasab**

**تحلیل انتقادی گفتمان مرزبان‌نامه براساس
نظریه نورمن فرکلاف (مطالعه موردی: داستان
زیرک و زروی)**

عیسی نجفی* / فرحناز حیدری نسب**

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۹

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۸

چکیده

Abstract

Critical discourse analysis is an interdisciplinary branch of linguistics that examines the hidden power relations and ideological processes in linguistic texts to analyze the sociology of language. Marzbannameh is one of the allegorical texts of pre-Islamic Iran in which the author deals with the pathology of socio-political issues of his time or previous periods. This writing aims to analyze the critical discourse of the text of the story of "Zirak and Zarvi" from the sixth chapter of Marzbannameh based on the theoretical framework of Norman Farklaf, in three levels: description, interpretation and explanation in a descriptive-analytical way. The result is that this text, while recounting the actors' communication system based on the hierarchy of power in pre-Islamic Iranian society, plays an important role in conveying the prevailing beliefs and values in society and the discourse of the characters in the story. In order to consolidate the political thought of the author and the intellectual space and power of the possibilities available in the speech of the characters of the story, the explanation of why this text was produced according to the prevailing policy of that period.

Key Words: Norman Fairclough, Marzbannameh, Critical Discourse, Language Power, Ideology.

تحلیل انتقادی گفتمان یکی از مباحث مهم در گفتمان سیاسی و اجتماعی است که چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی در ارتباط با عوامل درون‌متنی بررسی می‌کند. مرزبان‌نامه، به عنوان یک متن کهن، یکی از متون تمثیلی ایران قبل از اسلام است که نویسنده در آن، به آسیب‌شناسی موضوعات اجتماعی - سیاسی روزگار خود یا دوره‌های قبل پرداخته و از این رهگذر ضمن اینکه به گونه‌ای فرهنگ را منتقل کرده، به کمک زبان و قدرت آن، به تولید اندیشه‌های سیاسی روزگار کمک شایانی کرده است. این نگارش بر آن است که با تکیه بر آرای فرکلاف، به چگونگی بازنمایی گفتمان انتقادی متن داستان «زیرک و زروی» بپردازد. مقاله به شیوه توصیفی- تحلیلی و بر اساس چارچوب نظری فرکلاف، در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین به ارتباط لایه-های گفتمان و پیوند زبان و جامعه‌پذیری جامعه از رهگذر حکایات می‌پردازد. حاصل سخن این است که این متن، ضمن اینکه نقش مهمی در انتقال عقاید و ارزش‌های حاکم بر جامعه دارد، گفتمان‌گفتاری و کرداری شخصیت‌های داستان، در خدمت تثبیت اندیشه سیاسی نویسنده است و فضای فکری و قدرت امکانات موجود در گفتار، توضیح‌چرایی تولید این متن با توجه به سیاست حاکم است.

کلیدواژه‌ها: نورمن فرکلاف، مرزبان‌نامه، گفتمان، قدرت زبان، کنشگران، وجهیت افعال.

*Assistant Professor of Persian Language and Literature, Razi University (Corresponding Author).

**Teacher of the Ministry of Education.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول).
enajafi@yahoo.com

** دبیر آموزش و پرورش.

fhaidarinasab@gmail.com

مقدمه

بیان مسئله

رویکرد نظری تحلیل گفتمان، یکی از مهم‌ترین رویکردهای ساختگرایی اجتماعی است که شامل رویکردهای متعددی همچون رویکرد لاکلو و موفه، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، روان-شناسی گفتمانی، رویکرد فوکویی است. تحلیل گفتمان، به عنوان یک گرایش بین‌رشته‌ای بین ادبیات و جامعه‌شناسی، ارتباطات و حتی علوم سیاسی، در دوره جدید به وجود آمد. شیوه و روش این مطالعه، حول این محور است که استفاده از زبان با چه هدفی به کار رفته است. از این‌رو، تأکید این رویکرد بر این است که چه کسی، در چه موقعیتی و با چه هدفی از زبان بهره گرفته است. «تحلیل گفتمان از دهه ۷۰ میلادی، به عنوان روشی میان‌رشته‌ای برای مطالعه فرایند تولید متن (اعم از گفتار و نوشتار) و بررسی رابطه تشکیل ایدئولوژی و شکل‌گیری متن، در عرصه علوم انسانی و حوزه‌های معرفتی گوناگون به کار رفت» (آفاجانی، ۱۳۹۰: ۷۸). «بسیاری از جامعه‌شناسان و منتقدان ادبی، با علم به اینکه آثار فرهنگی در بستری اجتماعی تولید می‌شوند، مدعی‌اند که متون ادبی و روایی را می‌توان داده‌های جامعه‌شناسی محسوب کرد» (دی‌والث، ۱۳۷۵: ۱۸۱) و یورگنسن معتقد است که «گفتمان، شیوه خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است» (۱۳۸۹: ۱۸). «تأکید اصلی گفتمان، بر ضرورت تحلیل نظام‌های اندیشگر در قالب زبانی است که نظام‌های مذکور با آن بیان می‌شوند» (مک دانل، ۱۳۸۰: ۱۶).

سمبولیست‌گرایی متون داستانی کهن، دستاویزی جهت شناسایی و بررسی ایدئولوژی ایران قدیم، به کمک شیوه خاص گفتمان آنهاست. مرزبان‌نامه یکی از این کتب تمثیلی است که بررسی گفتمان گفتاری و کرداری شخصیت‌های هر کدام از داستان‌های آن، چگونگی لایه‌های به قدرت رسیدن و تثبیت آن و بسیاری از مسائل اجتماعی قدرت حاکم را بیان می‌کند. با توجه به این فرضیه، این نگارش در پی آن است که تأثیر داستان‌گویی متون کهن را بر فضای فکری و اجتماعی انسان‌ها چه در گذشته و چه در زمان حال، تبیین نماید.

از این‌رو، سطوح سه‌گانه نظریه گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، می‌تواند به درک فرایند کشف معنای تولیدشده سیاسی داستان‌های تمثیلی-تعلیمی و درک موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی دوره نویسنده کمک کند.

پیشینه تحقیق

مطالعات گفتمان انتقادی، سابقه‌ای گسترده در حوزه پژوهش‌های ادبی ندارد و بیشتر بازتاب آن در رسانه و سینما بوده است؛ در حالی که متون ادبی (سنتی و معاصر)، منبع ارزشمندی برای تبیین متن تولیدشده و تأثیر کردارهای گفتمانی بر عملکرد اجتماعی شدن افراد در هر دوره‌ای است. تا کنون، پژوهشی مبتنی بر موضوع و کلیت این پژوهش، صورت نگرفته است. به همین دلیل به مواردی از پژوهش‌های اشاره می‌شود که به طور

باب ششم مرزبان‌نامه در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی و به تأثیر و ارتباط زبان و جامعه‌پذیری جامعه از رهگذر حکایت پرداخته شود. حاصل پژوهش در پاسخ به این سؤالات است:

۱. متون داستانی مرزبان‌نامه، کدام لایه‌ها و گوشه‌های از فضای فکری و سیاست حاکم بر جامعه ایران قبل از اسلام را بازگو می‌کند؟
۲. گفتمان انتقادی این متون بازتاب چه عواملی است؟
۳. آیا گفتمان حاکم بر داستان به موازات گفتمان کرداری دوره نویسنده است؟

روش‌شناسی پژوهش

داده‌های مورد استفاده پژوهش حاضر، از مرزبان‌نامه، تحریر سعدالدین وراوینی و روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. ابتدا، نگارندگان در مبحث نظری، آرای این نظریه را برای پیشبرد پژوهش، تبیین می‌کنند و در مبحث عملی، به کمک نظریه، قدرت زبان و کلمه را در تجسم عینی لایه‌های زیر ساخت متن، با مصادیق عینی از گفت‌وگوهای کنشگران نشان می‌دهند.

بحث

۱. سخنی در باب مرزبان‌نامه

تاریخ تألیف اصل این کتاب براساس ادعای صاحب قابوس‌نامه و سعدالدین وراوینی، سده چهارم هجری است و به وسیله مرزبان بن رستم انجام شده است. وی حکایات و وقایع تاریخی را فقط از کتب قدیمی‌تری که در اختیار داشته، در کنار هم نهاده و به شکل کتاب در آورده است

عام به جنبه‌های نظریه‌های گفتمان اشاره کرده و در جریان پژوهش، یاری‌رسان و توجیه‌کننده اندیشه نگارندگان بوده است. آفاگل‌زاده و غیاثیان (۱۳۸۶) در مقاله «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، به معرفی و مرور خاستگاه تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته و به تفاوت و وجوه شباهت رویکردها پرداخته‌اند. کلانتری و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله «تحلیل گفتمان با تأکید بر گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی»، با دلیل ثابت می‌کند که تحلیل گفتمان جزو روش‌های تحقیق کیفی بوده و برای کشف معنای به کار رفته در متن یا سخن به کار می‌رود. آفاگل‌زاده (۱۳۸۶)، در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی ادبیات»، به تشریح رابطه مردم و جامعه پرداخته و اذعان می‌کند که این ارتباط توسط نهادهای اجتماعی و دیگر عوامل دخیل در گفتمان تعیین می‌شود و ادبیات و متون ادبی هم در بافت خاصی، تولید، تحلیل و تفسیر می‌شوند.

ضرورت و اهداف پژوهش

هر متنی بازتاب فرهنگ و ایدئولوژی حاکم بر دوران نویسنده اثر است. متون تمثیلی که کنشگران آن، ترکیبی از حیوانات و انسان‌هاست، نقش مهمی در فرهنگ‌سازی سیاسی و انعکاس مسائل اجتماعی، فرهنگی دوران اثر دارد و چه بسا همین عملکردهای داستان و گفتمان موجود در آنها، راه را برای تبیین موفق شیوه مملکت-داری نشان دهد. هدف از پژوهش حاضر، این است که به کمک ابعاد جامعه‌شناختی نظریه نورمن فرکلاف، متن داستان «زیرک و زروی» از

(رضایی، ۱۳۸۹: ۵۰). نویسنده با استفاده از زبان تمثیل، اهداف و موضوعات مورد علاقه و کارآمد در امر سیاست و اجتماع را در شکل و شیوه مؤثر مطرح کرده است. شیوه پردازش متن بر اساس گفت‌وگوی منطقی و آزاد بین شخصیت‌های داستان‌هاست. مرزبان‌نامه که شیوه تعلیمی-تمثیلی همچون کلیله و دمنه دارد، متأثر از متن این کتاب است. در شرق به ویژه ایران، چون دگرگونی و تطابق در حکومت‌داری به آسانی نبود و همچنین به دلیل اقتدار حاکم، مجال برای بروز و بیان تفکرات نبوده است، نویسندگان و شاعران با روی آوردن به حکایات و سخنانی که به شیوه تمثیل و از زبان حیوانات بود، نظرات پنهان سیاسی را به شیوه محتاط در حکایات تمثیلی بیان می‌کردند. نویسنده *مرزبان‌نامه*، با انتخاب ژانر داستان که در آن زمان یکی از بهترین روش‌های انتقال معنا بوده، مضامین سیاسی را بدون اینکه فضای درگیری و تنش به وجود آورد، به حاکم که برادرش بود، گوشزد کرده است.

به غیر از محمد غازی ملطیوی، سعدالدین وراوینی در قرن هفتم، کتاب را از زبان طبری به فارسی برگردانده است. کتاب دارای نه باب و در مجموع چهل و پنج داستان است و شیوه گردآوری و تدوین آنها به این صورت است که این داستان‌ها، حول محور اصلی باب می‌چرخد و مشارکان و شخصیت‌های داستان را آدمیان و حیوانات تشکیل می‌دهد. وراوینی همان طور که خود در مقدمه کتاب ذکر می‌کند، برخی از حکایات را حذف و کتاب را خلاصه کرده است

(وراوینی، ۱۳۷۶: ۲۰).

۲. خلاصه داستان «زیرک و زروی» به زبان ساده
 زروی، بز نری است که چوپان او را به علت بدخویی به قصاب می‌فروشد. زروی به محض رفتن قصاب برای آوردن وسیله چاقو تیزکن، فرار می‌کند و به غاری پناه می‌برد. شب صدای سگی زیرک نام را می‌شنود که از گله جدا مانده است. او را صدا می‌زند. زیرک می‌گوید: «شب را پیش تو می‌مانم و فردا در طلب گله می‌روم». زروی در گوش او می‌خواند: «چرا می‌خواهی خودت را نزد چوپانی کوچک کنی که اگر دهان در کاسه-اش کنی، سر تو را می‌شکند و کاسه را به هفت آب می‌شوید. من در پیشانی تو طلیعه بزرگ می‌بینم. اگر به اندرزه‌های من گوش کنی، تو را پادشاه جانوران خواهم کرد و آنگاه با امنیت در همین جنگل روزگار خواهیم گذراند. چون ما در کنف حمایت تو همیشه از شر دشمنان در امان بوده‌ایم. من همه تدبیرم را به کار می‌بندم تا تو را شاه کنم». زیرک می‌گوید: «راست این است که ما به خاطر حمایت از شما، خود را با همه جانوران دشمن کرده‌ایم و مزید بر این، اندیشه شاهی جز با پشتیبانی سپاه و مدد زر و سیم راست نمی‌آید. بهتر است ما دو مفلس آواره، این اندیشه را از سر بیرون کنیم». زروی می‌گوید: «اگر پای بر گردن نفس نهی و درندگی را رها کنی. آوازه کم‌آزاری تو در جنگل می‌پیچد، همه حیوانات به تو پناه می‌آورند و چنان می‌شوی که تمام حیوانات درنده از هیبت تو می‌لرزند». زیرک بهانه می‌آورد اما در نهایت، رگ آرزو در دل زیرک می‌جنبد و

ما را نیز می‌تواند از خطرات برهاند. خرگوش باهوش به عذر درمی‌آید که مگر نمی‌دانید نژاد سگ پست است و آدمیان را به خساست او مثال می‌زنند و حتی چرم او را نجس می‌دانند؟ اما کبوتر به خرگوش می‌گوید: «اگر چنین عیبی در زیرک باشد، او آنقدر فراست دارد که به رفع آن بکوشد و همیشه حسب مهم‌تر از نسب است». آنگاه جانوران را متقاعد می‌کند که قبل از داوری، زیرک را ملاقات کنند. جانوران، آهو را نزد زیرک می‌فرستند تا در این مورد تحقیق کند. زیرک و زروی به عزت و نیکویی او را پذیرا می‌شوند. هیمنه دستگاه زیرک بر دل آهو می‌نشیند و به لطفی که می‌بیند، خوف او می‌ریزد. زیرک چنین آغاز می‌کند: «شما و امثال شما از شرارت ذات هم‌نژادان من آسوده نبوده‌اید، اما من خواهش‌های نفسانی را ترک گفته و خواهان این هستم که در زمان حکومت من هیچ جانوری در سایه حمایت آسب نبیند». آهو می‌گوید: «ولی لانه‌های ما بر بلندی و در کوه و تپه پراکنده است و مانند گله مجموع نیستیم، وانگهی هر یک دشمنی خاص داریم و چنین نیست که همگی ما را یک گزند تهدید کند». زروی به گفت در می‌آید که پادشاه مانند آفتاب است که نورش بر همه‌جا بتابد و هرکس به نوعی از پرتو او مستفیض شود». آهو می‌گوید: «پس، لازم است راه آمدوشد تو بر ما گشوده باشد که هر وقت لازم شد تو را از گزندهای پیرامون‌مان بی‌گناهانم. دیگر اینکه عقوبت تو نباید از سر خشم باشد، بلکه برای تأدیب و تعدیل به این کار دست یازی و بر هر کس به اندازه تحملش تکلیف نهی». زروی می‌گوید:

می‌گوید: «زمام اختیار را در دست تو دادم هر چه خواهی انجام بده». زروی در جواب به او می‌گوید: «من تمام تلاش خود را برای به شاهی رساندن تو انجام می‌دهم به این شرط که تمام نصایح مرا که بوی از دیگر دوستی است، اجرا کنی و علاوه بر این، تا شاه نشدی من می‌توانم بی‌پرده با تو سخن گویم، بعدها هیبت تو مانع می‌شود که آنچه صلاح است با تو بگویم». زیرک می‌گوید: «هر آنچه برای پیشرفت کار لازم است با من بازگویی و پرده از روی کار بازگیر. زروی می‌گوید: «به هوش باش که بدگویان را از خود دور کنی و هیچ‌گاه دعوی یک‌جانبه را نپذیری و داوری نکنی و به پیغمبر دین اقتدا کنی و مانند عیسی زبان را به نیکو گفتن عادت دهی و از بد گفتن و خشونت باز داری. به ویژه مراقب باش در دام حاسدان مگ‌ار نیفتی. بدان که لازم است حساب من از دیگر چاکران جدا نمایی و این خادم را در سایه خویش شکوهمند داری که هرکس کاردان خویش را احترام کند، کار خود را محترم داشته باشد و تا وزیر پیش پادشاه مقبول نباشد، لشکر حرمت او را نگه ندارند».

در این هنگام کبوتری که بر شاخسار درختی نشسته بود به نزد آنان می‌آید و می‌گوید آشیانه من اینجاست و سخنان شما را شنیدم و برای خدمتگزاری به شما آماده هستم. زیرک و زروی او را به سفیری نزد پرنده‌گان می‌فرستند. پرنده‌گان پس از ملاقات با زروی و زیرک دعوی ایشان را می‌پذیرند و هریک مقامی می‌یابند. آنگاه کبوتر را به شکارگاه می‌فرستند. شکاریان شادمانند که سگ همیشه نگهبان رمه است. پس

«خواهش ما از شما راستی در گفتار و کردار است و می‌دانم که عدالت جز با عقل و سنجش میسر نیست». آهو، زیرک و زروی را دعا می‌گوید و در نزد جانوران آنان را بزرگ و لایق می‌شمارد. آنگاه جانوران خود به دیدار زیرک می‌آیند که زیرک، زروی را برای سخن گفتن با ایشان می‌فرستد و آماده‌شان می‌کند که از هیبت او نترسند و رم نکنند. آنگاه به بار عام او دعوتشان می‌کند. ددان که آواز زیرک را می‌شنوند، کم‌کم به اعتدال می‌گرایند و قوانین او را می‌پذیرند. به این ترتیب به مدد اندیشه زروی، زیرک به پادشاهی می‌رسد.

۳. مبانی نظری

«اگرچه، رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در اولویت نخست، زبان، قدرت ایدئولوژی، گفتمان در متون رسانه‌ای و مسائل سیاسی - اجتماعی را در دستور کار خود دارد، ولیکن اگر بپذیریم که هر آنچه به زبان گفتار و نوشتار مربوط می‌شود، در حوزه تحلیل گفتمان جای می‌گیرد. پس می‌توان ادبیات شفاهی و مکتوب ملت‌ها را در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و نقد زبان - شناختی تحلیل و تفسیر و سبک فرد و دوره‌ای ادبیات فارسی را نیز با نگاه انتقادی شناسایی و معرفی کرد» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۸). البته جدای از این نظر، باید نقش مؤثر ادبیات فارسی در روند جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ را نادیده نگرفت؛ زیرا ادبیات فارسی تلفیق هنر، زیبایی - شناسی و تعهد است و به رسالت خود که «هنر وقتی ارزش دارد که چیزی یاد دهد یا به اخلاق

خدمت کند» (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۹۴)، آگاه است. «در تحلیل گفتمان انتقادی از سطح توصیف متون گذر و به سطح تبیین ارتقا می‌یابد. مسئله زبان، ایدئولوژی، جهان‌بینی و قدرت از مفاهیم بنیادی در تحلیل گفتمان انتقادی محسوب می‌شوند» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۰). فرکلاف^۱، در گفتمان انتقادی، متون را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کند. در سطح توصیف، ویژگی‌های صوری متن، در سه حوزه واژگانی، نحوی و ساخت متنی توصیف و در حوزه تفسیر، موقعیت تأثیرگذار متن و در تبیین، گفتمان را به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت بررسی می‌کند.

۳-۱. توصیف

در این سطح، به بسامد واژگان و کنشگران پربسامد، فرایند و نوع رابطه دستوری جملات و جنبه‌های استعاری و پنهان بیان پرداخته می‌شود و دیدگاه ایدئولوژیک نویسنده توصیف می‌شود. برای این کار باید به بسامدها توجه کرد؛ زیرا «همه اجزای صوتی واژگانی و نحوی زبان، خواه‌ناخواه به نوعی با دیدگاه ویژه‌ای مرتبط‌اند، ولی بعضی از این ساختارها، برجستگی بیشتری دارند» (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۳۹). به منظور وضوح‌سازی این مطلب، متن داستان در دو حیطه شخصیت‌پردازی و نوع رابطه دستوری توصیف و فراوانی در دو جدول تنظیم شده است.

۳-۱-۱. شخصیت‌پردازی: این شاخه از گفتمان

به میزان ارزش‌گذاری مفاهیم و انجام فرایندها

۱. Fairclough

توسط مشارکان اشاره می‌کند و نقش مهمی در چگونگی شکل‌گیری معنا و پیام داستان ایفا می‌کند. شخصیت‌های مرزبان‌نامه، ضمن حکایت توسط راوی معرفی می‌شوند و تا حدودی کنش این کنشگران و مشارکان مشخص و معلوم است، اما در ورای این گفت‌وگوها، رساندن پیام‌های حکمت‌آمیز و اخلاقی است. کنشگران داستان، محدود و عملکرد آنها در جهت تبیین مسائل است؛ چون «ارزش‌های تجربی دستور با روش - هایی سروکار دارند که به موجب آنها صورت دستوری زبان، به رمزگذاری اتفاقات تا روابط در جهان، افراد و شرایط زمانی و مکانی و نحوه وقوع آنها می‌پردازد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۴).

۲-۳. رابطه دستوری: وجه پرکاربرد اخباری، حضور معتدل‌گونه تمامی ضمایر در داستان و نوع فرایندها، همگی به صورت پیوسته و در بافتی منسجم در جریان داستان‌گویی تمثیلی مرزبان‌نامه، مشاهده می‌شود و این نشان از تبیین ارزش هریک از واگان در بافت جمله است.

۲-۳. تفسیر

آنچه که باید در تحلیل یک متن، مورد توجه قرار گیرد، رابطه نقش چیدمان واژگان و بیان نویسنده، در تحریک احساسات خواننده در موضوع خاص است. متون ادبی کهن که نقش مهمی در جامعه - پذیری افراد جامعه دارند، می‌توانند منطبق با نیازهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه باشند. لازم نیست که در مفهوم حکایت و تمثیل‌های ادبی از لغات خاص سیاست استفاده شود، بلکه توجه به نیاز خواننده و نحوه ارائه مطلب، با توجه

به زمان و مکان می‌تواند نشانی از هوش سیاسی نویسنده باشد؛ زیرا «متون به هر شکلی که باشند، سیاسی هستند؛ البته نه سیاست به معنای محدود آن، بلکه هر کاری از جمله تولید متن که منجر به حفظ یک شیوه موجود در میان شیوه‌های ممکن شود و یا آن شیوه موجود را با استفاده از شیوه‌های ممکن به چالش بکشد، یک کار و عمل سیاسی است و این کاری است که گفتمان انجام می‌دهد» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۷۱). باید در رویکرد تفسیر متون، به بازخورد سخن و تأثیر آن توجه داشت. هدف گفتمان این است که با قدرت زبان و سخن، گفتمان حاکم را نشان دهد، چون «ارتباط متن با ساختارهای اجتماعی در قالب صورت‌های لفظی و جملات نمود می‌یابد. لازم است برای اینکه در تحلیل گفتمان انتقادی از تحلیل و تشریح بافت ظاهری و کلام فراتر رفت، با بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی سروکار داشته باشیم» (کلانتری، ۱۳۹۱: ۲۲) و همچنین «من گفتمان را مجموعه‌ای به هم‌بافته از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی و متن دانست؛ چون تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هریک از این سه بعد و روابط میان آنها را طلب می‌کند. فرضیه این است که پیوند معنا دار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌های که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند، تعبیر می‌شوند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۷-۹۸).

اولین نکته‌ای که در این داستان ذهن خواننده را به سوی خود جلب می‌کند، چینش بسامان عناصر داستان برای وضوح‌سازی موضوع است. داستان به شیوه سمبولیسم ذهن را به

در دست و ریسمان پاره‌ای بر میان. اندیشه کرد که این مرد سبب هلاک منست و به قصد ریختن خون من می‌آید» (وراوینی، ۱۳۷۶: ۲۴۷).

«آخر رسن بگسست و جان که به مویی رسن باز بسته بود، به چنبر بجهاند و بجست. چون تیر از کمان و مرغ از دام می‌رفت و قصاب بر اثر می‌دوید» (همان: ۴۸-۲۴۷).

«زروی»، نماینده گروه منادیان آزادی است که در سخن و عمل، مسائل سیاسی روز را خوب تحلیل می‌کنند و در عمل هیچ‌گونه عاجزی در او دیده نمی‌شود. بارها سرکوب شده و آمال و راه رسیدن به قدرت و رهایی را در ایجاد انقلاب می‌داند و به دنبال این ایده، سگ «زیرک» را قانع می‌کند که حاکمیت جامعه را به عهده بگیرد و گاهی نیز مجبور است گفتمان تظاهر و دورویی و عوام‌فریبی را در برخورد با رعیت، اعمال کند:

«اگر ازین بند رها شوم و نجات یابم، فهو المراد و اگر دیگر باره گرفتار آیم و چرخ چنبری بار دیگر این رسن به چنبر گردن من برآرد، همین حالت باشد که اکنون هست» (همان: ۲۴۸).

«رای آنست که چون تو می‌توانی که خود را از پایه کهنتری به درجه مهتری رسانی و از صف-النعال فرمان بری به صدر صفه فرمان‌دهی رسی، به ندالت این مقام رضا ندهی و چشم بر مطارح رفعت نهی و دواعی همت بر آن گماری که زمام پادشاهی بر سباع و سوائم این دشت در دست گیری، تا من به اعداد اسباب این کار کمر تقدیم بر بندم و عقده مشکلات و عروه معضلات آن را به سحر مجاهدت بگشایم» (همان: ۲۵۲).

سوی کنکاش خلاق نویسنده هدایت می‌کند. در ادبیات و عرف عامه «سگ»، نماد وفاداری، صمیمیت، پاسداری، جان‌سختی، بی‌باکی و «رمه»، نماد عموم مردم، افراد سر به زیر و سودمند است که در میان گله، یکی از این رمه‌ها، نقش هدایتگر را به عهده می‌گیرد و پیشاپیش گله در حرکت است. در این داستان، رهبری، کاردانی و هدایت گله در نقش بز نر «زروی» نمود می‌یابد. نویسنده داستان، از لفظ «زیرک» حاکم و شاه را مدنظر دارد که توسط سردمداران و جناح‌های سیاسی (حیوانات و شکاریان) به شاهی برگزیده شده است، لازمه حیات شاهی و اعتماد مردم به حاکم، پیروی از نصیحت‌های مباشر و وزیر «زروی» است و گرنه، سیر قهقرایی حکومت را به دنبال دارد. در ابتدا هرچند، مخالفت سیاسیون «خرگوش»، مانع روند حاکمیت زیرک و متابعت دیگر وحوش می‌شود، اما قدرت زبان و وعده زیرک و زروی و همچنین صفیری آهو، ماجرا را به نفع زیرک پیش می‌برد. این داستان سیاسی است و از اصلی‌ترین درون‌مایه‌های آن، تقابل گفتمان شخصیت‌ها و عملکرد آنهاست؛ چون گفتمان «کلامی شفاهی یا مکتوب است که نقل رخدادهای برعهده دارد» (ریمون‌کنان، ۱۳۸۷: ۱۲). قصاب با چهره‌ای شوخگن توصیف شده که نماینده افرادی از جامعه است که راه رهایی انسان‌ها را در نابودی می‌داند و فلسفه گفتمان او، کشتن، خون‌ریزی و درگیری است که این رفتار در دو قسمت از داستان نشان داده شده است:

«زروی نگاه کرد. از دور مردی قصاب را دید با شکلی سمج و جامه‌ای شوخگن، کاردی

چاره‌اندیشی، عاقبت‌نگری، تلاش برای رهایی، یافتن مأمَن و کمین‌گاه، چرب‌زبانی، تملُّق و چاپلوسی، تلاش برای به قدرت‌رساندن حاکم، وفاداری و تعهد در انجام وظیفه، دانستن اصول سپاه‌گیری، مبارزه با نفس جهت رسیدن به آمال، داشتن هوش سیاسی است که تمام اینها در جهت تحوُّل بخشیدن به اوضاع صورت می‌گیرد و دارای ارزش مثبت و در بعضی مواقع این عملکرد، چون اندیشه تظاهر در پس پرده دارد، منفی است.

کنش‌ها و گفت‌وگوهای شخصیت دوم داستان، سگ «زیرک»، ترکیبی از «مادی، ذهنی، گفتاری و رابطه‌ای» است. بازخورد این اعمال، چاره‌اندیشی برای یافتن هویت، وفاداری و تعهد در قبال وظیفه، پشت‌گرمی به سپاه و توجه به سخنان مشاور، رهاکردن نفس‌پرستی و خوی ددمنشی و دادن وعده و وعید است. «زیرک و زروی»، نماینده قدرت حاکم بر جامعه و به دنبال جلب اعتماد رعیت «حیوانات و وحوش» هستند. اولین و شاید آخرین چاره‌اندیشی که به دنبال آن، رسیدن به بقیه خواسته‌ها تسهیل می‌یابد، همین رها کردن خوی ددمنشی و انجام امور شایست جهت بهبود اوضاع جامعه است.

کنش‌های بقیه حیوانات و شکاریان «کبوتر، آهو، دیگر وحوش، خرگوش»، ترکیبی از «مادی، ذهنی و گفتاری و مفهوم فرایند آنها، طمع به پیشدستی بر خدمتگذاری، تعیین صفیر در اجرای کار، منقاد شدن، ریزینی و عدم اطاعت کورکورانه و توجه بر تحقیق و پژوهش در مورد پیشینه حاکم است.

«کبوتر»، نمادی از کسانی است که از موقعیت به نفع خویش بهره می‌گیرند، برای رسیدن به قدرت تلاش می‌کنند و به طور معمول سیاست گفتمان آنها بر موقعیت‌سنجی و منفعت-طلبی، جاسوسی و خبرچینی است و در این داستان نقش صفیر و پیک را ایفا می‌کند:

«این دو حیوان... چون مهتری و پادشاهی یابند و درگاه و دیوان به ازدحام خدم و رعایا مستغرق شود، اگر به اختیار طبع یا به الجای حاجت خواهیم که در این آن جمله آیم و در عداد ایشان منحصر شوم، این معنی دشوار دست دهد... وجه اوفی و طریق اولی آنست که ... تقرُّبی که متضمَّن قربت باشد، به جای آورم» (همان: ۲۹۵).

«آهو متعین شد و شبگیر که هنوز شیب عارض صبح در خضاب شباب بود... با کبوتر روی به راه آورد و کبوتر زودتر به خدمت شتافت و نبذی از ماجرای حال بر وجه اجمال فرو خواند» (همان: ۳۱۳).

بسامد بالای واژگانی نظیر «زیرک، زروی، خرگوش آهو، کبوتر» نشانگر این است که جامعه حول محور حاکم یا فعال سیاسی، عوامل بیداری و هدایت رعیت جریان دارد و سرنوشت حاکم و پایداری حکومت و جلب اعتماد از جانب رعیت، روحیه سازش‌پذیری و عدم خوی ددمنشی حاکم و درایت مباشر، موافقت بر اجرای رأی وزیر، احترام و بزرگداشت وزیر است.

کنش‌ها و گفت‌وگوی داستان، بیشتر مادی و ذهنی و مفهوم همه این فرایندها، حرکت و یا تغییر نگرش در ذهن است. کنش‌ها و گفت‌وگوی شخصیت اصلی داستان «زروی»، فراسط،

برابر کلیله و دمنه بوده است. در رخداد داستان‌ها، نمونه‌ای از افسارگسیختگی جنسی دیده می‌شود که ماجرای زن قصاب با باغبان، مصداق آن است. به نظر می‌رسد که این فرهنگ منتقل شده از سرزمین‌های اطراف، مثل بابل باشد؛ چون «ظاهراً این لجام گسیختگی جنسی که در نواحی متمدن و غیر متمدن ایران رواج داشته، در فرهنگ این همسایه نیز اثر گذاشته، به خصوص اگر بدانیم که این سنت‌های بابلی، یعنی فحشای مقدس و دیگر مسائل کناری آن تا حدود ۳۲۵ میلادی یعنی تا اوایل حکومت ساسانی رواج داشته است تا اینکه بنا بر ادعای ویل دورانت، به وسیله قسطنطین امپراتور روم، ممنوع می‌شود. لازم به یادآوری است که در این زمان و از مدت‌ها قبل از آن، بابل متعلق به ایران شده و جزئی از امپراتوری هخامنشی و اشکانی بوده است» (رضایی، ۱۳۸۹: ۶۴).

۴. تبیین

برای تفسیر و تبیین متن. مخاطب به دنبال چرایی کردار گفتمانی است و ریشه انتخاب فرایندها را در کردارهای اجتماعی حاکم بر آن جامعه پیدا می‌کند. هر نویسنده‌ای در متن، خواه‌ناخواه، ارزش‌ها و اعتقادات حاکم بر جامعه را در اثرش نمایان می‌سازد و این کار پژوهشگر است که به توصیف، تفسیر و در نهایت چرایی ایدئولوژی خاص حاکم بر این نوشته‌ها جواب می‌دهد. «تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشد و همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه

مکان و زمان رخداد حادثه‌ها و کنش‌ها (بازار، دکان، باغ، صحرا، دریا، کوه) است که به نظر می‌رسد، لازمه انجام امور بزرگ و حفظ آن، بیرون از محیط خصوصی و کلان رخدادها در محافل عمومی و ملأ عام است.

وجهیت افعال یکی از مباحث مورد بررسی در علم معانی و دستور است که در تفهیم مطلب و همراه کردن خواننده با متن نقش مهمی دارد. «وجهیت یعنی میزان قاطعیت گوینده در بیان یک گزاره که به طور ضمنی که به وسیله عناصر دستوری نشان داده می‌شود و بیان‌کننده منظور یا قصد کلی یک گوینده یا درجه پایبندی او به واقعیت یک گزاره یا باورپذیری، اجبار یا اشتیاق نسبت به آن است» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۵). ارزش‌گذاری رابطه‌ای در جریان متن این داستان، متناسب با عملکرد افعال در جمله است. چون راوی داستان، دانای کل است و نقش گویندگی را ایفا می‌کند، حضور وجه اخباری افعال بیش از التزامی و امری است.

به کاربردن صفات خاص نظیر «خیمه اطلس سیاه، نظر مبارک، مفلس بی‌سرمایه، رای سدید، تدبیر صایب، رای راست، رغبتی صادق، مجمعی غاص به عوام، داغ نامقبول، لوزینه‌های لطف‌آمیز بی‌حشو و ...»، بیانگر ارزش رابطه‌ای است که بازتاب سبک نوشتاری مترجم «وراوینی» است و در بیشتر جملات، امکان دریافت فهم سخن را برای مخاطب آسان می‌کند.

به احتمال، اصل *مرزبان‌نامه* مربوط به زمان ایران قبل از اسلام، پادشاهی خسرو انوشیروان، باشد و هدف از نگارش کتاب، همانندسازی در

توجه به داستان‌پردازی در آثار سیاسی، علاوه بر ذات هنردوست ایرانیان و کسب لذت هنری، بیشتر ناشی از استبداد حاکم بر جامعه بوده که آشکارا راه انتقاد و نصیحت را بر زیردستان بسته است؛ چون در قسمتی از این داستان، زروی به این مورد اشاره می‌کند و می‌خواهد قبل از اینکه زیرک به شاهی برسد، سخنان خود را به وی گوشزد کند، چون بعد از به شاهی رسیدن، موانع ارتباط شاه و عوامل به سختی صورت می‌گیرد.

«در تحلیل کردار گفتمانی کانون توجه بر نحوه اتکای مؤلف متن بر گفتمان‌ها و ژانرهای از پیش موجود برای تولید متن است و نیز اینکه دریافت‌کنندگان متن، چگونه گفتمان و ژانرهای در دسترس را برای مصرف و تفسیر به کار می‌گیرند» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۲). این داستان به آسیب‌شناسی اخلاقی و سیاسی پرداخته و خواهان هوش و ذکاوت خواننده است تا برای خود بر اساس قدرت گفتمان راهی به سوی تغییر در چیدمان قدرت سیاسی در جامعه‌ای که ضعیف به هیچ گرفته می‌شود، انجام دهد؛ زیرا «در یک نظم گفتمان، کردارهای گفتمانی مشخصی وجود دارد که متن و گفت‌وگو را تولید و مصرف یا تفسیر می‌کنند» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۲۰). مصداق هوشمندی فرد ضعیف اجتماعی داستان، زروی رانده شده از خانمان است که با هوش و ذکاوت به دنبال تغییر در سرنوشت خویش است و برای رسیدن به قدرت به نیروی بالاتر از خود «زیرک» متوسل می‌شود تا با تعامل در ارتباط، به بی‌سامانی خود و دیگر حیوانات کمک کند.

تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۴).

زمان وقوع داستان‌های مرزبان‌نامه نامعلوم است و به طور یقین، اشاره به زمان تقویمی، تاریخی نیست و این یکی از ویژگی‌های بارز نوشته‌های تمثیلی است که از دایره زمان تقویم و حوادث واقعی دور می‌شود. ملاک تحلیل نگارندگان، واکاوی اندیشه و فرهنگ ایران قبل از اسلام است.

اهمیت متن‌های ادبی در این است که «می‌توانند در خصوص تأثیر متقابل گفتمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی که در زمان و مکان نوشته شدن متن دست‌اندر کار بوده‌اند، چیزهایی به ما بگویند» (تایسن، ۱۳۸۷: ۴۷). گفتمان مبارزه برای قدرت در فرهنگ سیاسی یک ملت شکل می‌گیرد و این فرایند که متأثر از ایدئولوژی فرهنگ و سنت حاکم است، معمولاً از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر، با تغییرات جزئی صورت می‌گیرد. آنچه در این گفتمان آشکار است، آرمان گفت‌وگوی آزاد و غیر مستبدانه زیرک و زروی، تساوی حقوق و عدم قدرت زبانی حاکم از طرفین است که همه این موارد جریان داستان را به سوی ارزش فردگرایی و اهمیت کنشگر مشاور در جریان بهتر شدن کارهای مملکت است. نتیجه حاصل از داستان با مقدمه‌چینی و داستان‌های پی در پی هر باب، خواننده را تسلیم اندیشه‌های تعلیمی و اخلاقی خود می‌کند، این شیوه خاص اقناع بدون جدل، خاص داستان‌گویی شرقی و فرهنگ و ادبیت حاکم بر این ملت‌هاست. علت

بر این اساس، یکی از گفتمان‌های کرداری داستان، که با بسامد بالای در متن مشاهده می‌شود، ایدئولوژی و فرهنگ، سازش و تحکیم قدرت است؛ زیرا یکی از محوری‌ترین مباحث، تلاش برای تثبیت قدرت و جلب اعتماد رعیت است. دانایی و کیاست، توجه به حقوق دیگران، ترس از عدم مقبولیت از عواملی است که شخصیت نامزد حاکمیت را وادار می‌کند که به هر نحوی، نگران عدم مقبولیت از طرف دیگر حیوانات (عموم مردم) باشد. زروی با اشراف بر حقوق فرهنگی و اجتماعی خود و دیگران، خواهان حفظ قدرت زیرک به عنوان یک ایدئولوژی است. مباشر و مشاور «زیرک» در موقعیتی از قدرت است که می‌تواند به راحتی ایدئولوژی و جهان‌بینی خود را در قبال چگونگی حفظ قدرت به جامعه تعمیم دهد، چون نگاه جامعه شرقی آن زمان به قدرت، همان امر، امر حاکم و رعیت فقط به دنبال آرامش و رهایی ددمنشی از سوی حاکم و دیگران است. قصاب که نمود شخصیت خود را در زدن، کشتن و از بین بردن به نمایش می‌گذارد با گفتمان کرداری خود، نماینده افرادی از این سنخ در جامعه است. زیرک که از پیشینه نابهنجار دیرین ناراحت و مأیوس است، برای اثبات خود و گریز از بحران، مجبور است سخنان مباشر و رایزن را اجرا کند. این به هم‌ریختگی و چگونگی به قدرت رسیدن را با گفتمان انسان محور زروی سامان دهد که نمونه این سرخوردگی و ترس از فروپاشی سامان حکومتی در لایه‌های قدرتی وجود دارد. کلیشه‌ای بودن خواسته‌های رعیت و سردمداری به حکومت رسیدن حاکم در گفتمان داستان، بیانگر

همان ایدئولوژی و فرهنگ قدرت حاکم بر سیاست است که همواره جو سازی سیاسی و تلاش برای اقناع قشر فرودست، به توازن قدرت و آرامش سیاسی منجر می‌شود. عدم توازن قدرت، موجب شده که مصلحت‌اندیشی به ظاهر در گفتمان سیاسی دیده شود که نمونه این ماجرا، تلاش زروی و زیرک برای قانع کردن آهو و دیگر حیوانات، با ظاهر سازی و قدرت زبان است. گفتمان زروی با منطق و استدلال و حکایات پی‌درپی همراه است. توجه به منطق و تمثیل، سبب گشایش گفتمان مباشر و رضایت زیرک بر مجری بودن و گوش سپردن به اندرزه‌های زروی را در پی دارد. تلاش ذهنی کارکرد گفتمان، سبب گشایش کلید گفتمان و باز تولید قدرت در فضای نامعلومی به قدرت رساندن حاکم می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

متون ادبی، بازتاب ذهن نویسنده و ذهن نویسنده متأثر از فرهنگ، سیاست و روابط حاکم بر آن جامعه است. این متون به دلیل اینکه گفتمان مسلط روزگار نویسنده را بازگو می‌کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. حاصل بررسی داستان «زیرک و زروی»، دلیل مستندی است بر نظم گفتمان حکایت‌های مرزبان‌نامه، حول محور سیاست حاکم و تأثیر متقابل گفتمان کنشگران جهت رسیدن به مقصود است. در بخش توصیف، مبحث شخصیت‌پردازی، بسامد واژگان پرکاربرد «زیرک، زروی، آهو، کبوتر» و رابطه همنشینی اعمال آنها بیانگر این مطلب است که سیاست نوشتار نویسنده در این داستان حول

بخش تفسیر، با توجه به عملکرد و گفتمان کنشگران، قدرت عوامل فرهنگی، طبقه و شغل افراد در دوران قبل از اسلام در قالب داستان تمثیلی، بازتابانده شده است. ایدئولوژی حاکم بر جامعه سنتی و قدرت‌گرای حاکم، مانع از آن می‌شود که ارتباط صریح بین واژگان و معنا صورت گیرد. از این‌رو، نویسنده با بیان داستان تمثیلی از صراحت در کلام می‌کاهد، اما بازتاب بیان استعاری تمامی رخدادها، بازنمود فرهنگ غالب جامعه در عرصه سیاست است که زیرک و زروی را در قالب دست‌اندرکاران قدرت سیاسی نشان می‌دهد.

محور انتقال قدرت از کسی به کس دیگر به کمک گفت‌وگو، رخدادها و مکان‌های بارز است. با انتخاب وجهیت بالای افعال اخباری، قطعیت و خبررسانی در گفتمان را در خدمت روابط اجتماعی و سیاسی تثبیت می‌کند. سیاست گفتمان هر یک از شخصیت‌ها، با توجه به عملکرد و فرایندش در طول داستان متأثر از رابطه مادی، گفتاری، ذهنی و رابطه‌ای و با توجه به کنش کنشگران متغیر است. مفهوم ارتباط دستوری جملات و واژگان، بر اساس چاره‌اندیشی، تلاش برای قدرت، چاپلوسی، فرصت‌طلبی و حتی تظاهر در گفتمان کرداری و گفتاری است. در

یادداشت‌ها

۱. جدول فراوانی نحوه شخصیت‌پردازی مرزبان‌نامه

حیطه شخصیت‌پردازی

ارزش‌گذاری	مفهوم	فرایند و نوع رابطه	مشارکان	ردیف
منفی	چاره‌اندیشی	آن به که من این زیان از پهلوی زروی کنم «ذهنی»	شبان	۱
مثبت	فراست و تیزبینی	اندیشه کرد که این مرد سبب هلاک منست «ذهنی»	زروی	۲
منفی	هلاک‌کردن	زروی را بر زمین افکند و دست و پایش بیست «مادی»	قصاب	۳
مثبت	چاره‌اندیشی	با خود گفت این‌جا مقام صبر نیست «ذهنی»	زروی	۴
منفی	عاقبت شوم بد	اگر دگر باره گرفتار آیم همین حالت باشد که اکنون هست «رابطه‌ای»	زروی	۵
مثبت	تلاش برای رهایی	رسن بگسست «مادی»	زروی	۶
منفی	تلاش برای اسیر کردن	بر اثر می‌دوید «مادی»	قصاب	۷
منفی	خیانت در زناشویی	ایشان را در باغ ملاقات افتادی «مادی»	زن قصاب	۸

۹	زروی	از نهیب قصاب سرویی بر در زد «مادی»	تلاش برای رهایی	خنثی
۱۰	باغبان و قصاب	هر دو به یکدیگر درآویختند «مادی»	نزاع و درگیری	مثبت
۱۱	زروی	در پناه غاری خزید «مادی»	یافتن مأمن و کمین‌گاه	منفی
۱۲	زروی	آواز سگ دلیل آبادانی باشد و خرابی کار من از آبادانی است «رابطه‌ای»	ترس از عاقبت بد	مثبت
۱۳	زیرک	از گله‌ای که درحراست منست، بازمانده‌ام و می‌جویم تا خود آنجا یابم «مادی»	چاره‌اندیشی	خنثی
۱۴	زروی	پشت استظهار بدو قوی کرد «ذهنی»	تکیه بر کمک کسی	مثبت
۱۵	زروی	لایق مال تو آن است که هرچه کنی، زیرکانه بود «گفتاری»	تعریف و تملق	مثبت
۱۶	زروی	اگر روزی یر در کاسه شبان زنی، خواهد که کاسه سرت به زخم چوب باز شکافد «رابطه‌ای»	دو به هم‌زنی	مثبت
۱۷	زروی	من به اعداد اسباب زمامداری و به درجهٔ مهتری رساندن تو کمر تقدیم بر بندم «گفتاری»	تلاش برای به قدرت رساندن دیگری	مثبت
۱۸	زیرک	ما از افراط دوستی شما همه را دشمن خویش گردانیدم «گفتاری»	وفاداری و تعهد در انجام وظیفه	مثبت
۱۹	زیرک	طلب پادشاهی و سروری کردن جز مظاهرت سپاه و حشم راست نیاید «ذهنی»	پشت گرمی و توجه به سپاه‌داری	مثبت
۲۰	زیرک	تو به پر و بال همت در طلب کار عالی باش «ذهنی»	بلندنظری	مثبت
۲۱	زیرک	من چنان سازم که جمله جوارح وحوش و ضواری سباع در قید اتباع آیند «گفتاری»	تلاش و همت در دوستی	مثبت
۲۲	زیرک	یک چند از خوی درندگی و سگ صفتی باز آبی «مادی»	رها کردن خوی ددمنشی و انجام امور شایست،	مثبت
۲۳	زیرک	هرکه نیک‌انجامی کار جوید اول پای بر گردن نفس نهد «رابطه‌ای»	الگوبرداری و اعتبار بخشی رفتار بزرگان	مثبت
۲۴	زیرک	از مشاهدت سیرت تو اشرار اخیار رنگ گیرند «گفتاری»	احترام و بزرگداشت وزیر	مثبت
۲۵	زیرک	خواهم که مرا به مزیت توقیر و بزرگداشت از همهٔ طوایف خدم ممیز گردانی «مادی»	وجود موانع در ارتباط صریح عوامل	مثبت

منفی	حکومت با حاکم	و تو کلاه مهتری بر سر نهادی، من هر سخنی اگرچه دانم، با تو نتوانم گفت «ذهنی»	زروی	۲۶
مثبت	موافقت بر اجرای رأی وزیر	هرچه گفتم شنیدم و از گفتار به کردار مقرون خواهد بود. بسم الله «مادی»	زیرک	۲۷
خنثی	طمع کبوتر به پیشدستی بر خدمتگذاری	چه کمتر خدمتی که امروز ثابت شود، مثبت خدمات بزرگ دارد	کبوتر	۲۸
مثبت	تعیین صغیر در اجرای کار	کبوتر را به رسالت و پیغام سوی شکاریان استنهاض فرمود «مادی»	زیرک	۲۹
خنثی	منقاد شدن	همه را داعیه فرمانبرداری در باطن بجنید «ذهنی»	شکاریان	۳۰
مثبت	ریز بینی و عدم اطاعت کورکورانه	اعتراض آغاز نهاد «مادی»	خرگوش	۳۱
خنثی		از لوازم پدشاهی، اول، نسبی طاهرست که اگر ندارد، هرچه ازو آید، به نوعی از نقصان آلوده تواند بود «ذهنی و گفتاری»	خرگوش	۳۲
مثبت	توجه به پیشینه حاکم	یکی از شما بر من موکل کنید تا آنجا آید و مشاهدت کند که چگونه پادشاهیست «مادی»	کبوتر	۳۳
مثبت	تحقیق و پژوهش در مورد حاکم	متعین شد و با کبوتر روی به راه آورد «مادی»	آهو	۳۴
خنثی	انتخاب پژوهنده	بفرمای تا مرغان را بخوانند و هریک را به جای بدارند «مادی»	زروی	۳۵
منفی	توجه به ظاهر سازی	خطاب به کبوتر، در مضایق دقایق، عنان سخن با دست من دهی «مادی»	زروی	۳۶
منفی	تمویه سازی و مکر وزیر برای آسان شدن سختی و به تنگ افتادن حاکم	در سخن آمد و به زبان چرب عبارت می- پرداخت «گفتاری»	زیرک	۳۷
مثبت	چرب زبانی و ریاکاری در بیان	خانه‌های ما پراکنده، دشمن دگرگون، روی با زروی کرد: جواب این سخن چیست؟ «گفتاری»	آهو	۳۸
مثبت	بیان مشکلات مختلف اجتماعی رعیت	پادشاه به آفتاب ماند و پرتو نور او به هر کجا «ذهنی و گفتادی»	زیرک	۳۹

منفی	راهکار خواستن از وزیر	شهریار راه آمدش بر ما گشاده دارد «مادی»	زروی	۴۰
مثبت	تابو و مقدس گردانیدن حاکم	برگشت و زبان به ذکر محاسن و محامد سیر زیرک برگشاد «مادی و گفتاری»	آهو	۴۱
خنثی	خواهان ارتباط با شاه و ارائه مشکلات توسط صغیر	جمله وصایایی که در امور پادشاهی و رعیتی رفته بود، باز رسانید «مادی»	آهو	۴۲
مثبت	رضایت سفیر پرنندگان وفاداری در شروط پیغام رسانی	کبوتر به رسم حجابت در پیش افتاد «مادی»	آهو	۴۳
منفی	وجود جاسوس و مخبر در امر سیاست	زروی همه را به خدمت زیرک شتابانید و همگی منقاد شدند «مادی»	کبوتر	۴۴
خنثی	سودمند شدن رایزنی وزیر و متابع گردانیدن مردم		تمام اصناف جانوران	۴۵

اشاره‌ای به حیظه دستوری داستان

وجه افعال	ضمایر پر کاربرد	رابطه همنشینی	مکان رخداد	واژگان پرکاربرد	
اخباری: گفت- داشت-	او -	شراست و شوخی- بازار و فروختن	بازار	گوسفند-	حیظه دستوری
گردانید- کردی-	آنان -		دکان	شبان	
آوردی-نگاه کرد- فرو	من-	قصاب، کارد- خون و هلاک	باغ	زروی-	
ماند- بخرید	ایشان-	قدرت و دست- رسن و	صحرا	قصاب	
بیست- رفت- سست-	تو - ما	گسستن	غار	سگ- گله	
می‌دوید-تافتندی-		چرخ چنبری و گرفتاری- تیر	گیتی	خیل و	
آویختند-جان ببرد-		و کمان	دریا	خدم- سیاع	
خرید- می‌رفت- می-		آفتاب و بام لآزورد- سگ و	کوه	خرگوش	
آمد- می‌بینم - زده‌اند-		محافظت		کبوتر	
التزامی: گنجد- به کار		رنج و تنهایی- زیرک و		آهو	

<p>آورم - شوم - آیم - آرد - کند - آید - زنی شکافد - دهد - رسانی - نهی - گماری - گیری - بندم - مانی - گردد - بیفزاید - گریزد - گراید - رسد - بریزد - آزرده باشی - یابند - توانم بود - امری: تعریف فرمای - بازآیی - توبه کنی</p>	<p>کیاست کهتری و مهتری - سطوت و شوکت حشم و سروری - معسر و مفلس همت و طلب - منقاد و مطواع درندگی و گوشت‌خواری اعوان و انصار - پلنگ و پنجه نهنگ و ناب - بزرگی و تدبیر - خواری و نیازمندی - حضيض و ارتفاع -</p>			
---	--	--	--	--

منابع

- تایسن، لیس (۱۳۸۷). *نظریه‌های نقد ادبی معاصر*. گروه مترجمان. تهران: مطالعه و تحقیقات رسانه‌ها.
- ترجمه مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی. ویراسته حسین پاینده. تهران: نگاه امروز؛ حکایت قلم نوین.
- وراوینی، سعدالدین (۱۳۷۶). *مرزبان‌نامه*. چ سوم. تهران: اساطیر.
- ریمون - کنان، شلومیت (۱۳۸۷). *روایت داستانی: بوطیقای معاصر*. ترجمه ابوالفضل حری. تهران: نیلوفر.
- مک دائل، دایان (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*. ترجمه حسین‌علی نوذری. تهران: فرهنگ گفتمان.
- سیدحسینی، رضا (۱۳۷۶). *مکتب‌های ادبی*. چ ۱۱. تهران: نگاه.
- لوته، یاکوب (۱۳۸۸). *روایت در سینما و ادبیات*. ترجمه امید نیک‌فرجام. چ ۲. تهران: مینوی خرد.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰). *سبک‌شناسی*. تهران: سخن.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۵). *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*. تهران: هرمس.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۸۷). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ نشر مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. مترجم هادی

- جلیلی. تهران: نی.
- آفاجانی، سعادت (۱۳۹۰). «مقدمه‌ای بر تحلیل گفتمان». کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۳۷، صص ۷۸-۸۶.
- آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات». مجله ادب‌پژوهی، دوره اول، ش اول، صص ۱۷-۲۷.
- دی‌والت، م‌ال. (۱۳۷۵). «چندگانگی قرائت رمان: سازمان اجتماعی تفسیر». ترجمه ح‌چاوشیان، ارغنون، سال سوم، صص ۲۱۹-۱۸۱.
- رضایی. مهدی (۱۳۸۹). «مرزبان‌نامه یادگاری از ایران عهد ساسانی». پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی (گوهر گویا). سال چهارم، شماره اول، صص ۴۷-۶۸.

